

CATES · STEGMAN · MAYER · MARTIN

MARVEL

1

# KING BOOK



دورنامه

dorname.ir

کاری از: کیوان داوند

Stegman  
Mayer  
Calk



اون  
اینجاست.

می تونیم حسش کنیم،  
که از سیاهی فریاد می کشه  
و به سمت کل خلقت  
هجوم می بره...

دستانش به دور  
کلوی جهان حلقه  
زده.

کاپیتان؟  
منم...

وقتشه.

فرار  
بسه.

مخفی شدن  
بسه.

وقتشه.

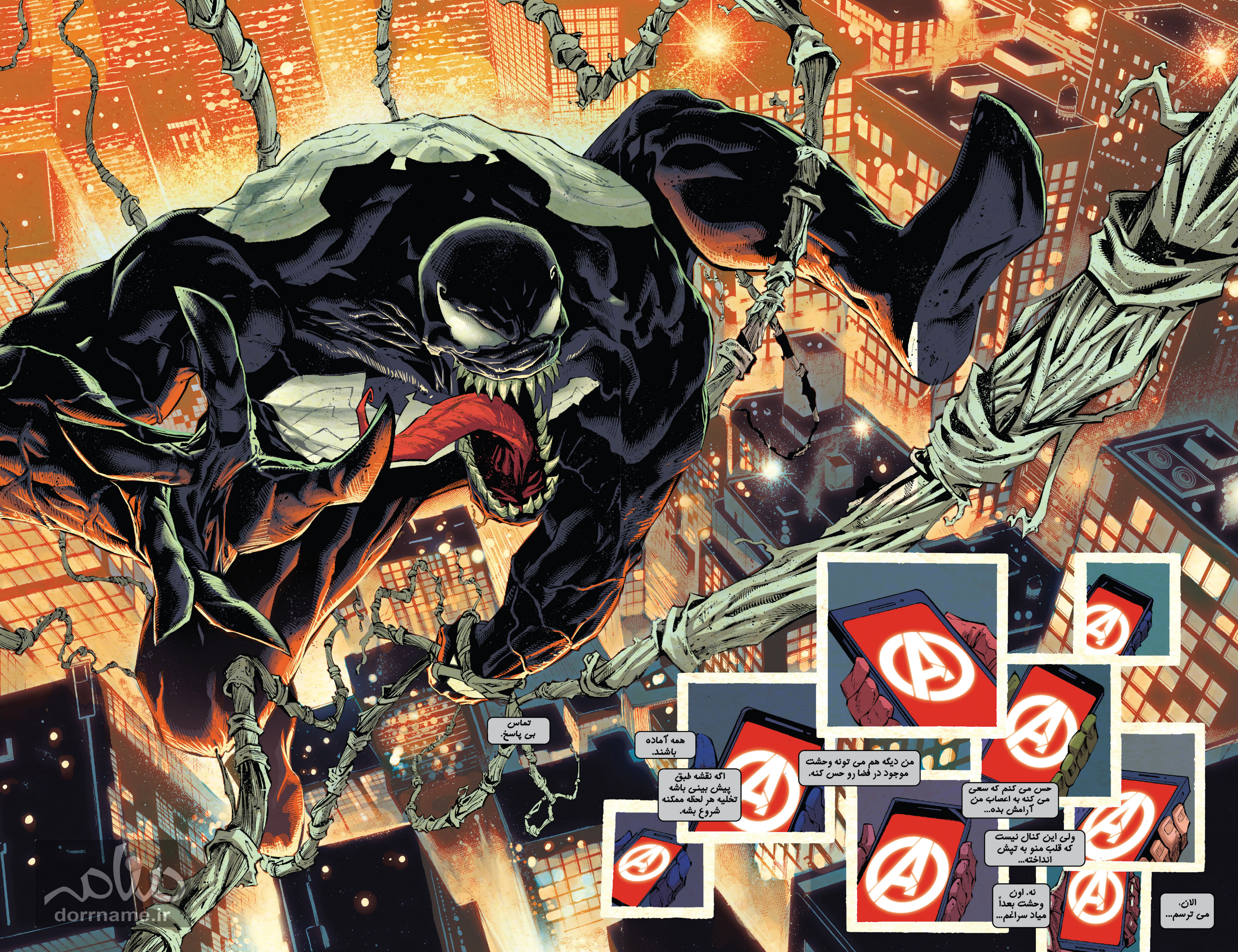
کنال. ارباب  
ورطه...

...خدای  
سیمبیوت ها...

...رسیده.

Кор





تماس  
بی پاسخ.

همه آماده  
باشند.

اگه نقشه طبق  
پیش بینی باشه  
تخلیه هر لحظه ممکنه  
شروع بشه.

من دیگه هم می تونه وحشت  
موجود در فضا رو حس کنه.

حس می کنم که سعی  
می کنه به اعصاب من  
آرامش بده...

ولی این کنال نیست  
که قلب منو به تپش  
انداخته...

نه. اون  
وحشت بعداً  
میاد سراغم...

الان،  
می ترسم...



...از  
این.



از اینکه پسر مو بیدار  
کنم تا این کابوس  
رو ببینه.



دیلان خیلی  
سخته کشیده.



اون لیاقت بهتر از اینو  
داره. لیاقت اینو داره که  
معصوم باشه و بچگی کنه.

به اندازه تمام ستاره هایی  
که از آسمان محو می شن  
آرزو داشتم بذارم بخوابه.

اینکه پسر هرگز نباید  
با وحشت دنیایی که من  
باعثش شدم، روبرو بشه.





ایکاش هیچوقت  
تاریکی منو به ارث  
نمی برد.

دیلان؟

چی... سلام...  
چی...

متأسفم  
رفیق، ولی...

می دونم.  
منم حسش  
می کنم.

اون  
اینجاست، مگه  
نه؟

بله.  
حالا به من گوش  
بده. ما باید...



کوهستان انتقام جویان.  
زمان حال.

...حرکت کنید!  
عجله کنید، وقت رفته  
تیم های زمینی و سفینه های  
تخلیه در مناطق فرود آماده اند  
ولی ما باید اول  
رو عرشه باشیم.

بیایید خشن  
باشیم، چگونه؟

تونی؟ الان  
کجاایم؟

گفتنش سخته کاپیتان. از اطلاعاتی که  
پراک بهمون داده، می دونیم که  
کنال و سیمپیوت ها علائم  
حرارتی از خودشون ساطع  
نمی کنند.

پس ما  
نقطه خاصی نداریم  
که روش قفل کنیم.  
ولی به هر حال به  
مین های زمینی ما  
برخورد می کنند.

اسمشون  
اینه؟

خوش بینی  
کاپیتان.



"باقیمانده ناوگان متروک کری و  
سفینه های جنگی اسکرال که در  
جو زمین پراکنده اند می تونند  
کمی برتری به ما بدن."

دوست داری همه چیزو  
به بمب تبدیل کنی.

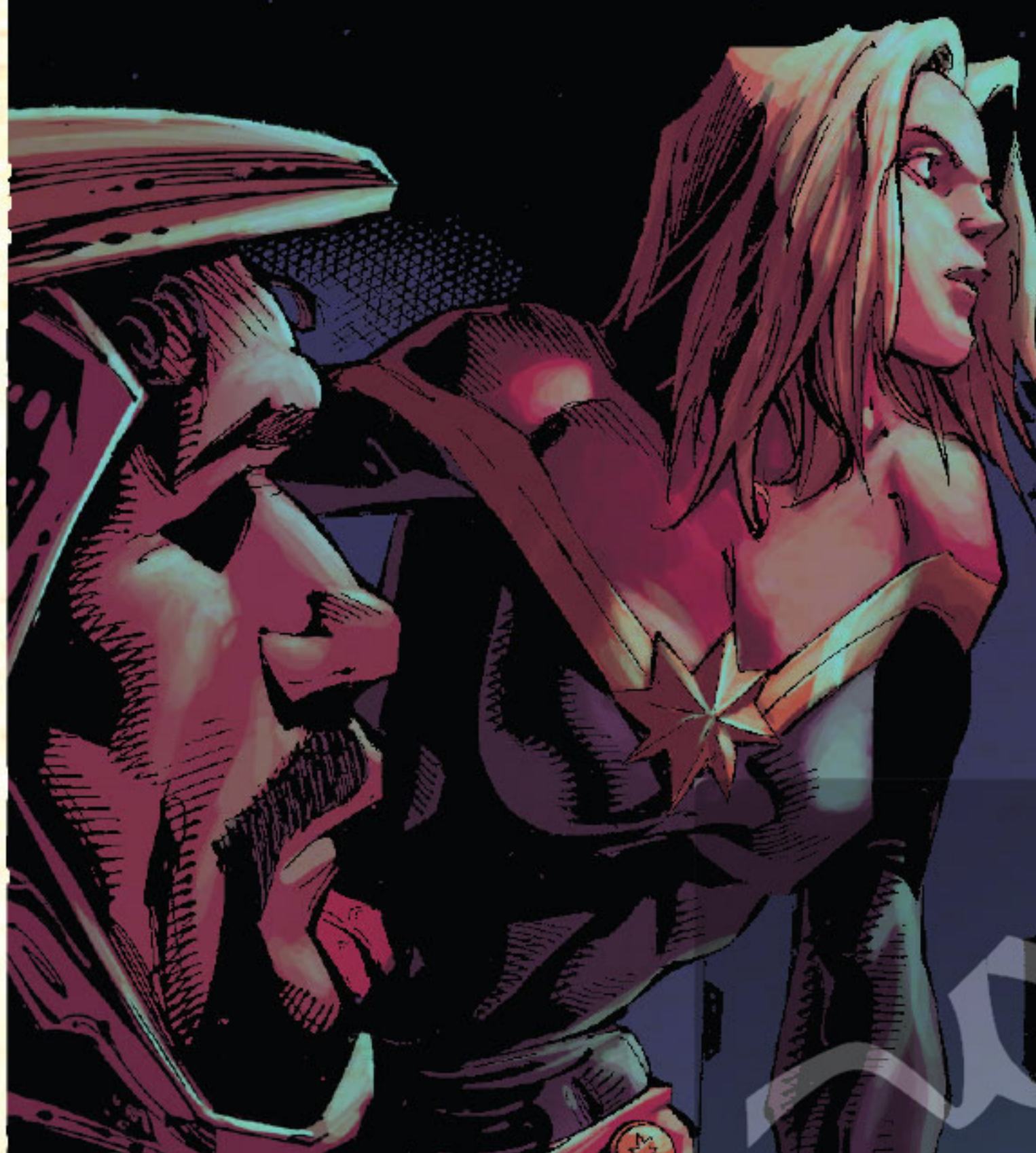
عادت ها قدیمی  
سخت از بین می رن.  
حالا که صحبت از  
بمب شد، خبری از  
اون گنده بک  
نیست؟

هنوز  
منتظریم. اگه  
جای تو بودم دعا  
می کردم...

آماده  
باشید!

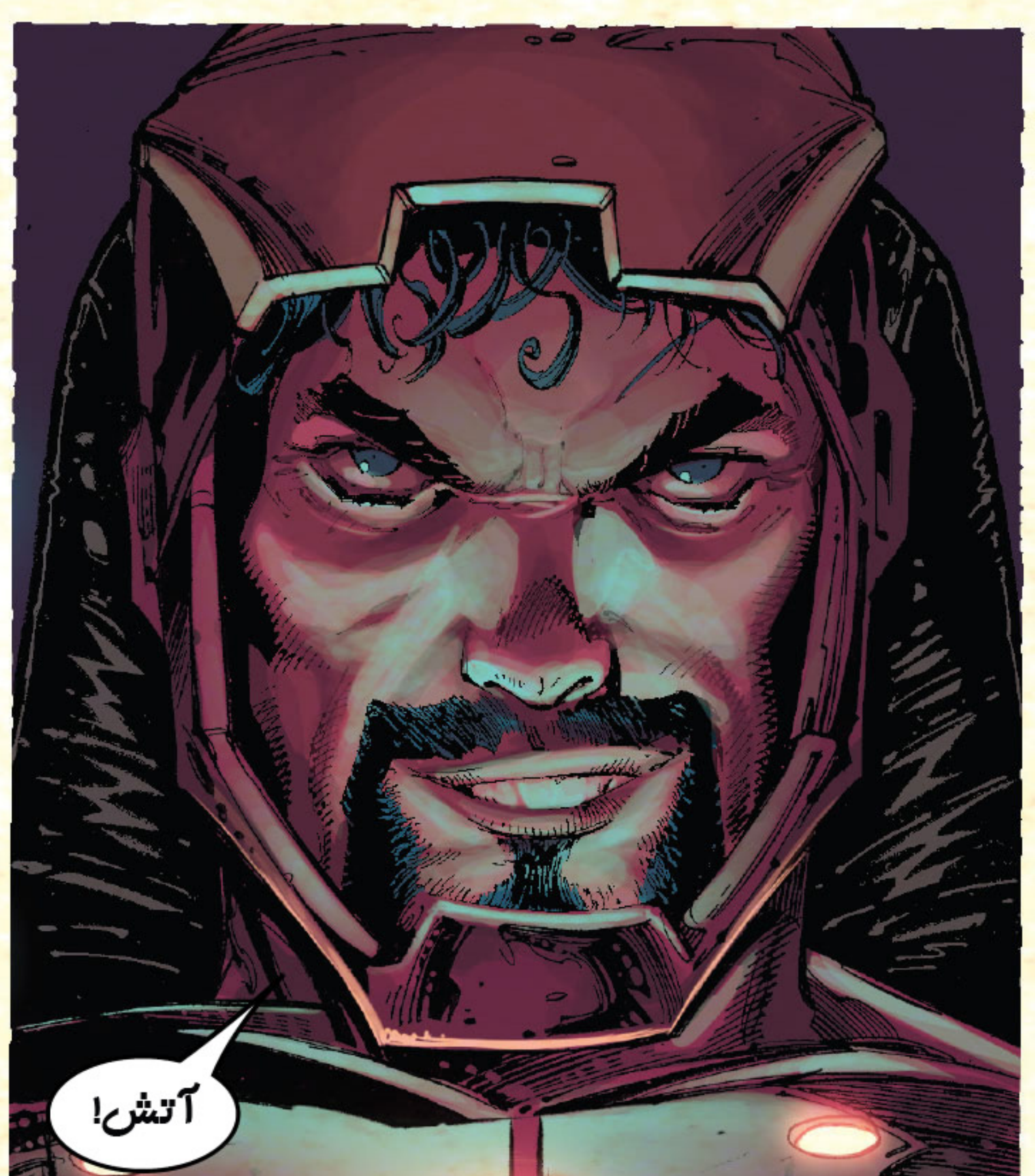
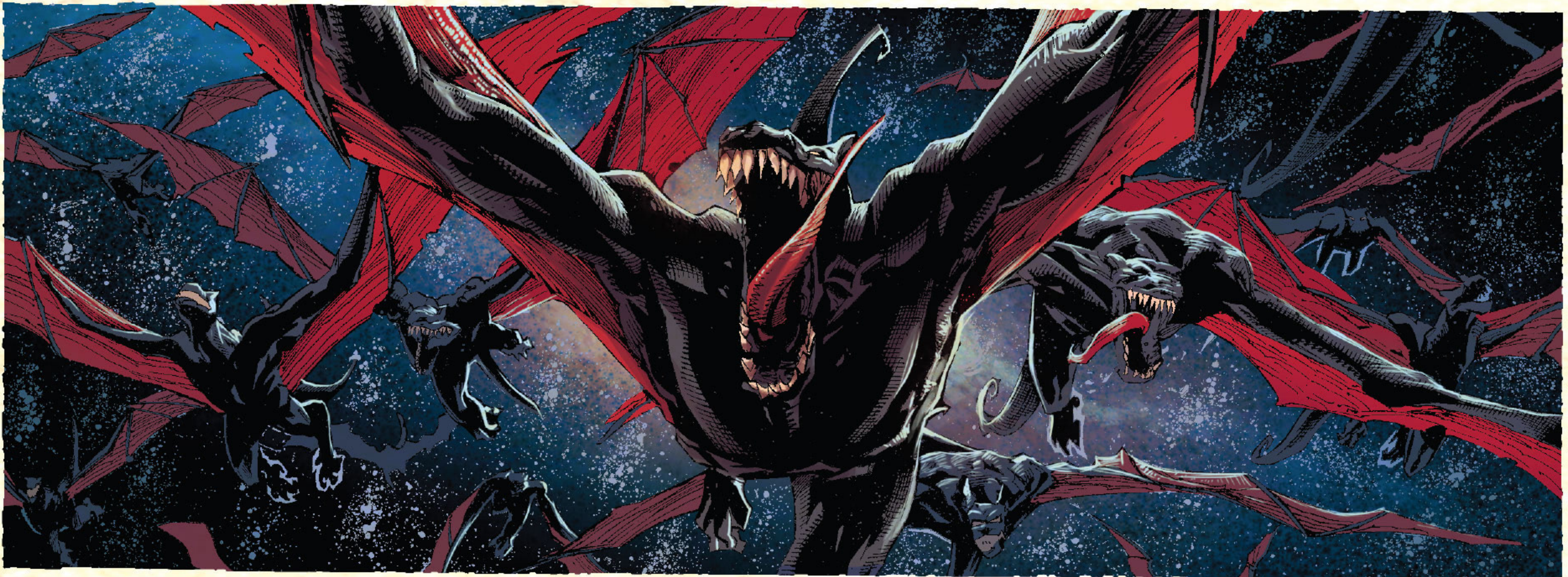
خبر خوب، و  
خبر بد آقایون.

انگار  
پیداشون کردیم...





...ولی ما به بمب  
بزرگتری نیاز داریم.







VWWWAAAAAAMMMMM



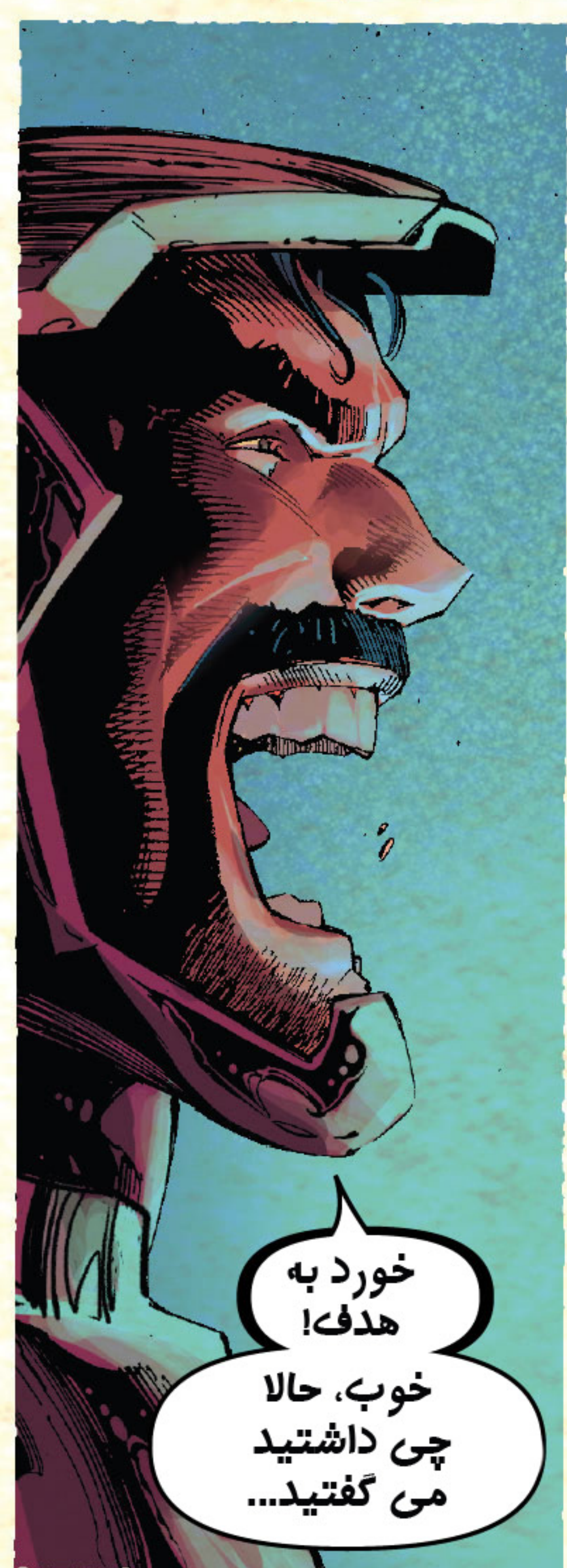
داره بسته می شه ادی! باید عجله کنی!

می دونم! باید دیلان رو به جای امن منتقل کنم قبل از اینکه...

آخخ!

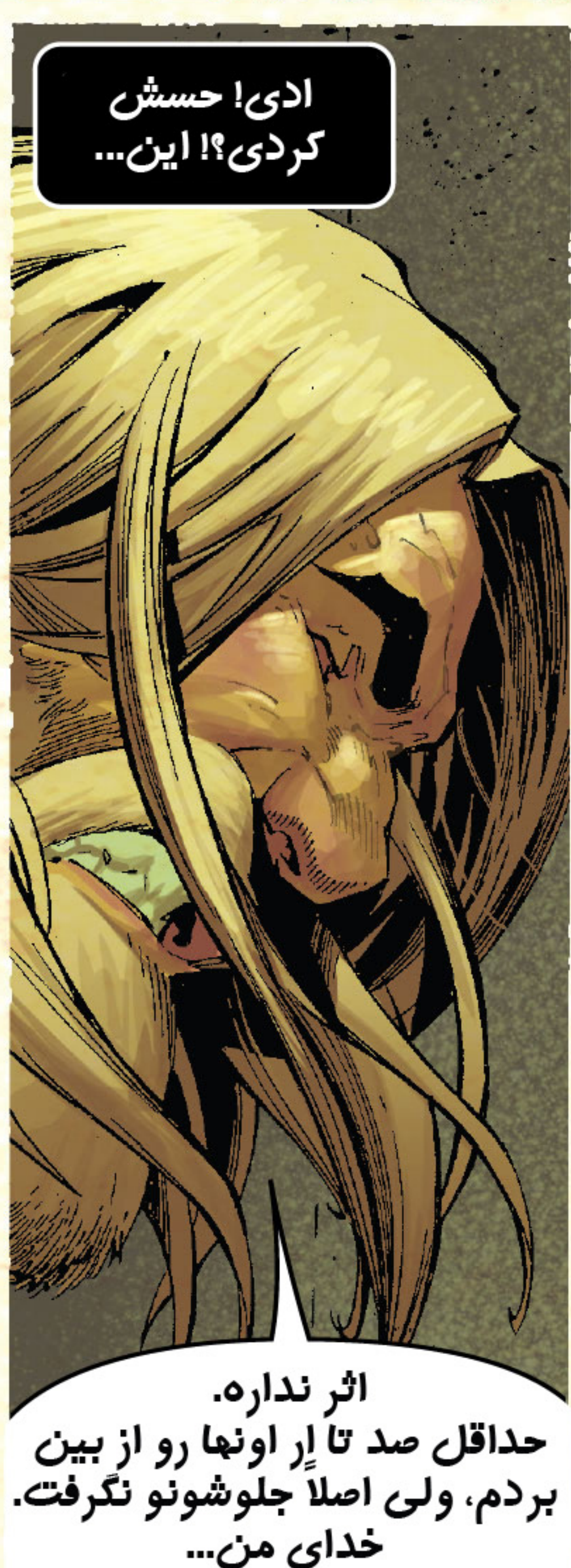
آخخ!

پدر!؟



ادی! حسش کردی!؟ این... خورده!

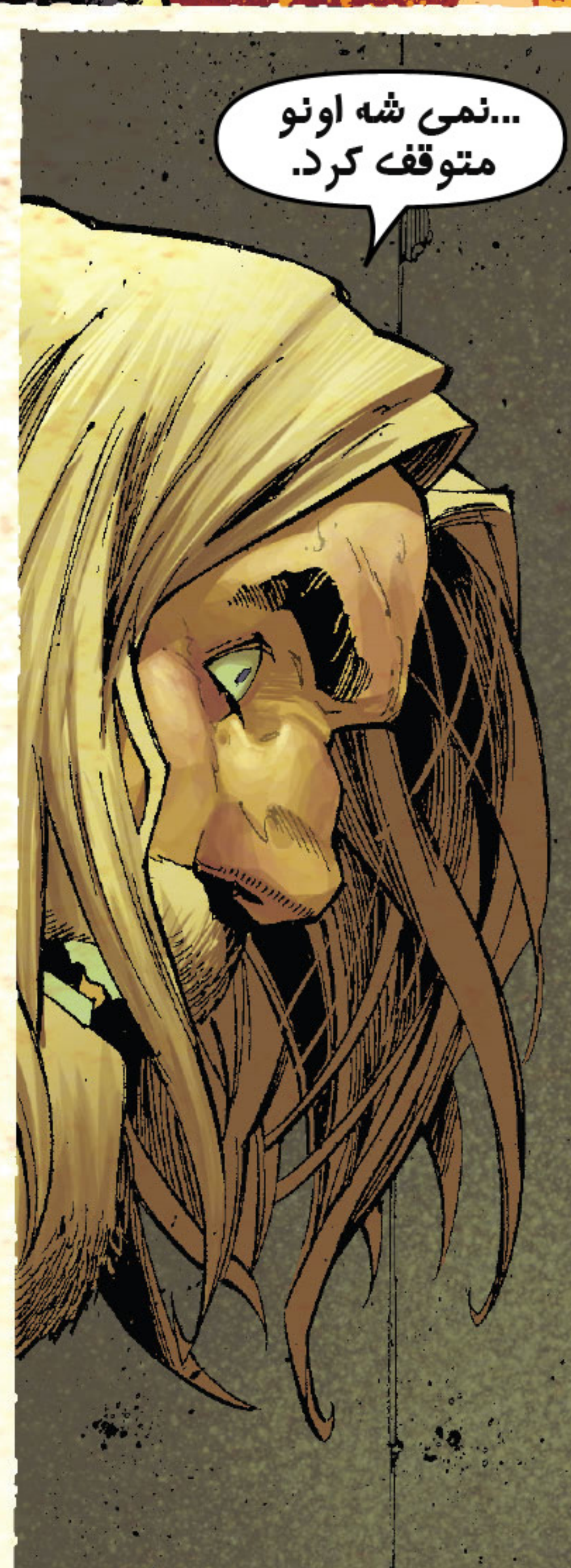
هدف! خورده به هدف! خوب، حالا چی داشتید می گفتید...



اثر نداره. حداقل صد تا ایر اونها رو از بین بردم. ولی اصلا جلوشونو نگرفت. خدای من...



...بمب ها.



...نمی شه اونو متوقفه کرد.



این یه تمرین نیست! واقعیه! این... همه تیم ها، به پیش! به پیش! به پیش!







وقتی در مورد کنال با انتقام جویان  
به توافق رسیدم، پیتر به من امکان  
دسترسی به این اتاق امن رو داد.

گفت به دست سیمپیوتی بنام  
ازکیل برایش ساخته شده. فکر  
می کرد در برابر جنگ هسته ای  
هم مقاومه.

فقط دعا می کنم در  
برابر چیزی که داره میاد  
هم مقاوم باشه...

پدر، خواهش  
می کنم این کارو  
نکن. منو اینجا  
تنها نذار!

این موضوعو  
قبلاً حل کردیم. جای  
بحث نداره. من  
باید...

من می تونم کمک کنم!  
می دونی من چه کارهایی  
ازم برمیدار. قدرت من  
مثل قدرت اونه!

شاید بتونم.  
شاید بتونم کنترل  
کندو رو بدست  
بگیرم یا... یا...

دیلان،  
کافیه!

من قول دادم.  
بهت گفتم ازت محافظت  
می کنم... به هر قیمتی.  
و من ...

تو نباید اینطوری  
زندگی کنی.

این جنگ منه.  
اینجا اشتباه های  
من هستند.

تو...

لیاقت تو  
چیزهایی که من  
بهت دادم  
نیست.





من می خوام  
تمومش کنم.

حالا، لطفاً... این  
آخرین درخواست  
من از توئه.



اینجا  
بمون.

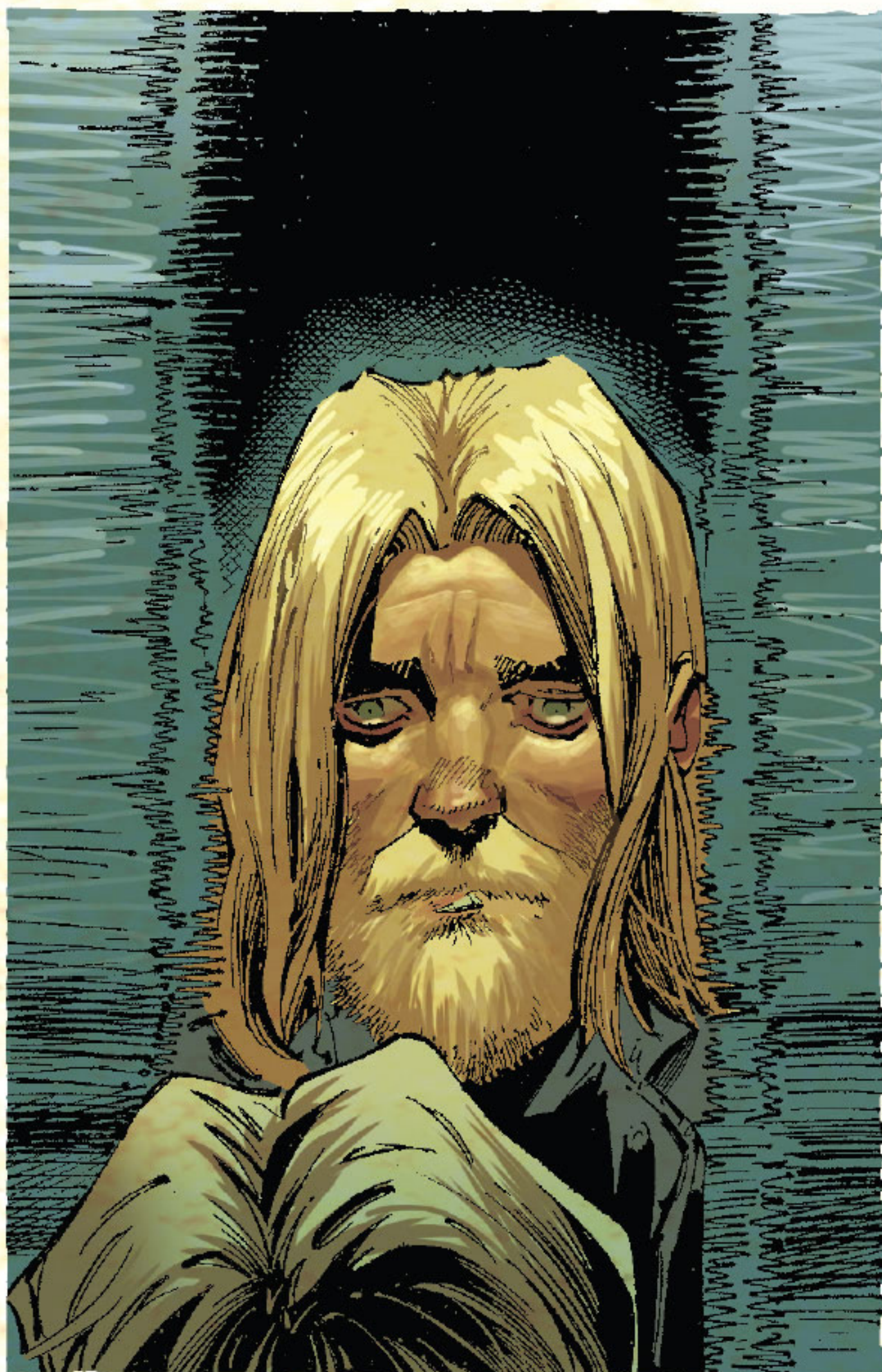
و اگه  
هر کسی غیر از من  
این درو باز کرد...

پدر...



لطفاً برگرد.

لطفاً.



دوست  
دارم پسر.



براکه؟

بله  
کاپیتان.

نقشه ب.

...  
می دونم.



نقشه به معنیش  
اینه که اوضاع @\$!#  
شده.

یعنی کنال و لشگریان ازدهاش  
لایه دفاعی زمین رو در هم  
شکستند و دارند هجوم میارند.

اولین موج حمله زمینه. کاپیتان با کمک گروهی  
از قهرمان های خیابانی که تمرکزشون روی  
قدرت های برقیه داره کار تخلیه رو انجام می ده.

ما چیز زیادی برای ادامه کار نداریم.  
فقط می دونیم که نقطه ضعف کنال  
نور، قدرت کیمانی و شاید جادو  
باشه...

ولی...  
باید  
پیشیم.

با توجه به این  
مسائل... نیرو  
کم داریم.

تونیا! از  
ثور خبری  
نشده؟

اوضاع... اینجا  
اصلا خوبه به  
نظر نمیاد.

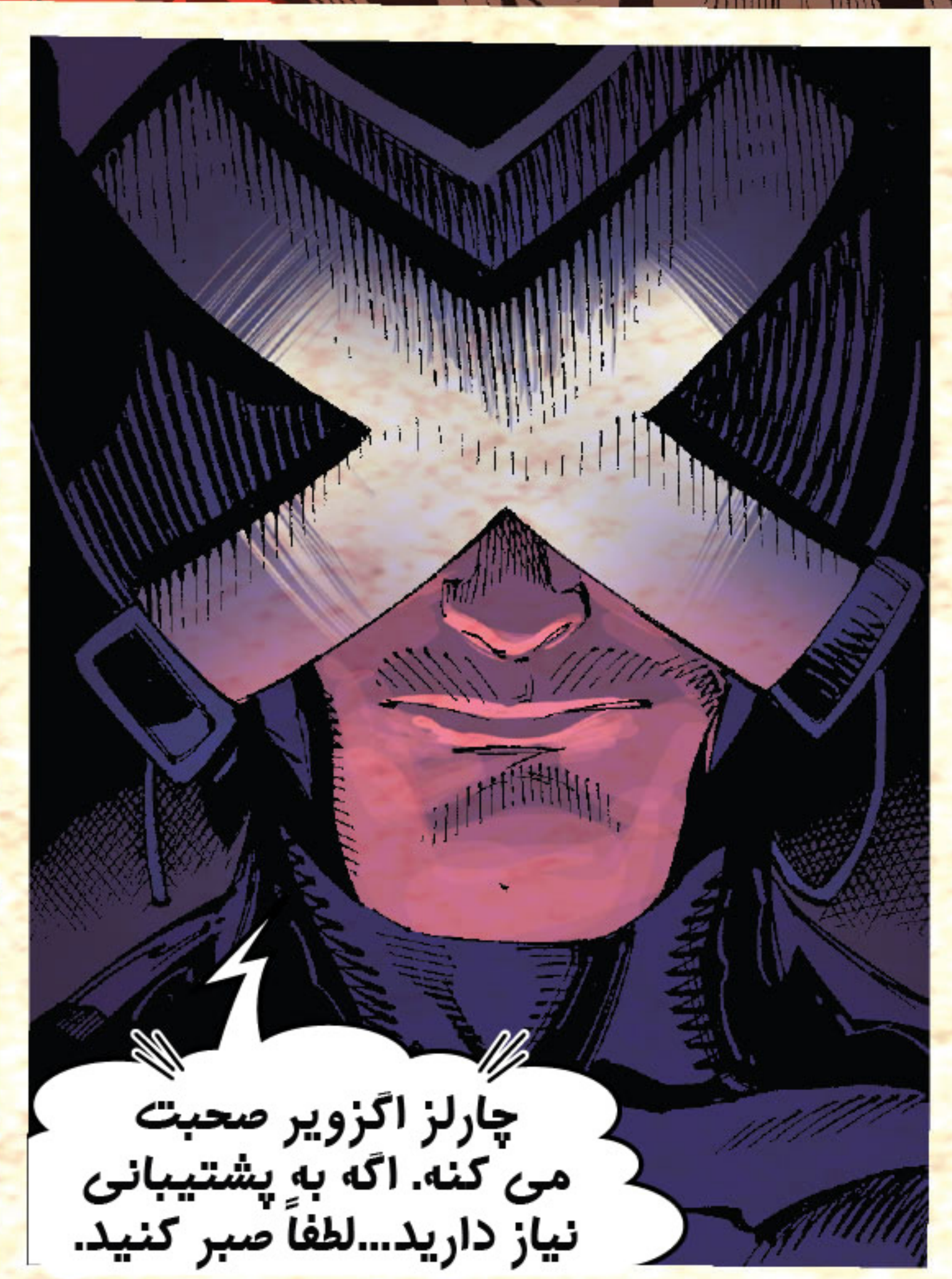
این ازدها ها  
دارند به شهر برخورد می کنند و  
متفجر می شن! و همه چیزو تو لایه ای  
از سیمیوت فرو می برند! به خبر  
خوبه به من بده!

هنوز هیچی.  
ولی سلاح بزرگ دیگه  
ما داره وارد مدار زمین می شه.  
نباید زیاد طول بکشه.

به نیروی  
کمکی نیاز داریم  
تونیا!

آبرون من، کاپیتان...  
لطفاً ورود بدون مجوز من به  
دهنتونو بخشید...!





چارلز اگزویر صحبت می‌کنه. اگه به پشتیبانی نیاز دارید... لطفاً صبر کنید.

موج دوم:  
پارک واشنگتن  
اسکوپر

ایکس من ها  
رسیدند.

دومین موج  
از هواست.

باید تا اونجایی که ممکنه ارتباط  
بین کنال و گروه اژدها ها رو  
ضعیف کنیم.

درک می‌کنم  
که غیبت تور په  
مانع بزرگه.

وجود خدای صاعقه می‌تونست  
مغیبد باشه. ولی می‌تونم الهه  
...

چارلز، خواهش  
می‌کنم...

سعی می‌کنم  
تمرکز کنم.



موج  
سوم...

موج سوم بدترینیه.



داریم به  
موقعیت وارد  
می شیم...

...چون این  
یکی به عهده  
ماست.

این مناره از حمله کارنیج به نیویورک باقی  
مونده. به این شکل گروه خودشو کنترل می کرد.

با کمی شانس، به ما این امکان رو می ده  
تا بدون جذب شدن به کندو وصل بشیم.

کاپیتان  
داره تخلیه شهر رو  
انجام میده و استورم کوره  
کارزار رو گرم کرده. همه جمع  
شدند و منتظر تندن.

ولی باید تلاش  
کنیم.

اگه استورم یا بقیه بتونند اژدهاها  
رو با صاعقه یا نیروی جادو از کندو  
جدا کنند، شاید بتونم از اینجا  
کنترلشونو به دست بگیرم.

و لشگر خودمونو  
بسازیم.

با تأکید روی  
کلمه "شانس".



یا...

...کنال بلافاصله ما رو پیدا  
می کنه و با سیمیوت های  
خودمون ما رو خفه می کنه.

به هر  
حال...

...وقت  
تمومه.

!\$#@

بزن  
بریم.





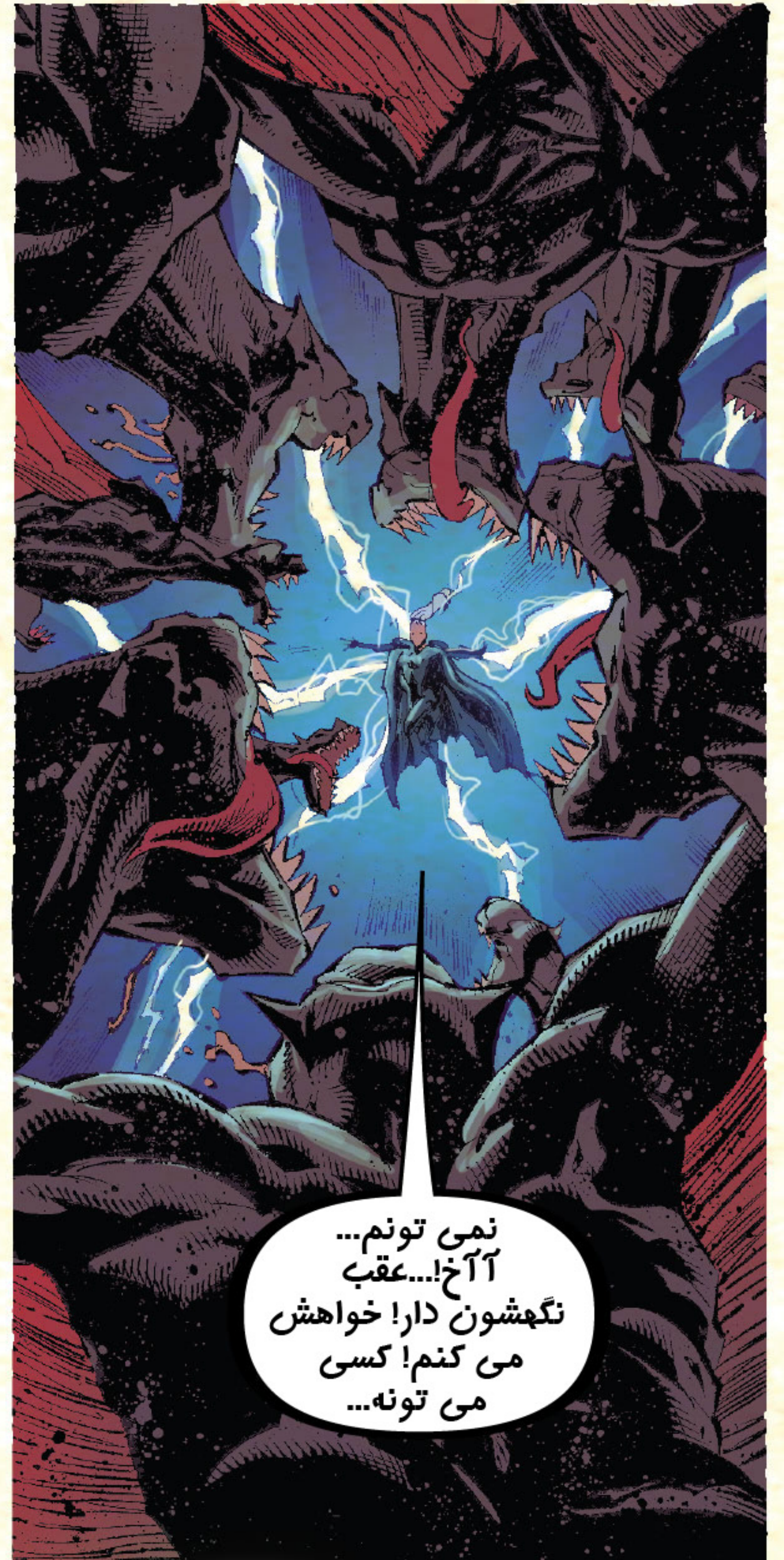


دکتر استرنج  
روی تمام موج های رادیویی  
و سطوح ذهنی و روحی صحبت  
می کنه! اگر صدای منو  
می شنوید، لطفاً  
جواب بدید!

این ازدهاها  
با تمام چیزهایی که  
دیدم فرق دارن! اونها  
از تمامی موانعی که  
ایجاد می کنم، براحتی  
عبور می کنند!



می تونم  
صداتو بشنوم! ببینمت!  
استرنج، موضعت رو حفظ  
کن! ما تقریباً به هسته  
رسیدیم! من...



نمی تونم...  
آخ... عقب  
نگهشون دار! خواهش  
می کنم! کسی  
می تونه...



لعنت،  
داریم استرنج رو  
از دست می دیم!

ما داریم  
می بازیم براک!  
به حضورت اینجا  
نیاز داریم!



الان  
ادی!

آخ!!!  
من داخلم!!! می تونم  
ببینم!



می تونم  
ببینم تونی.  
اون...  
خدای  
من...



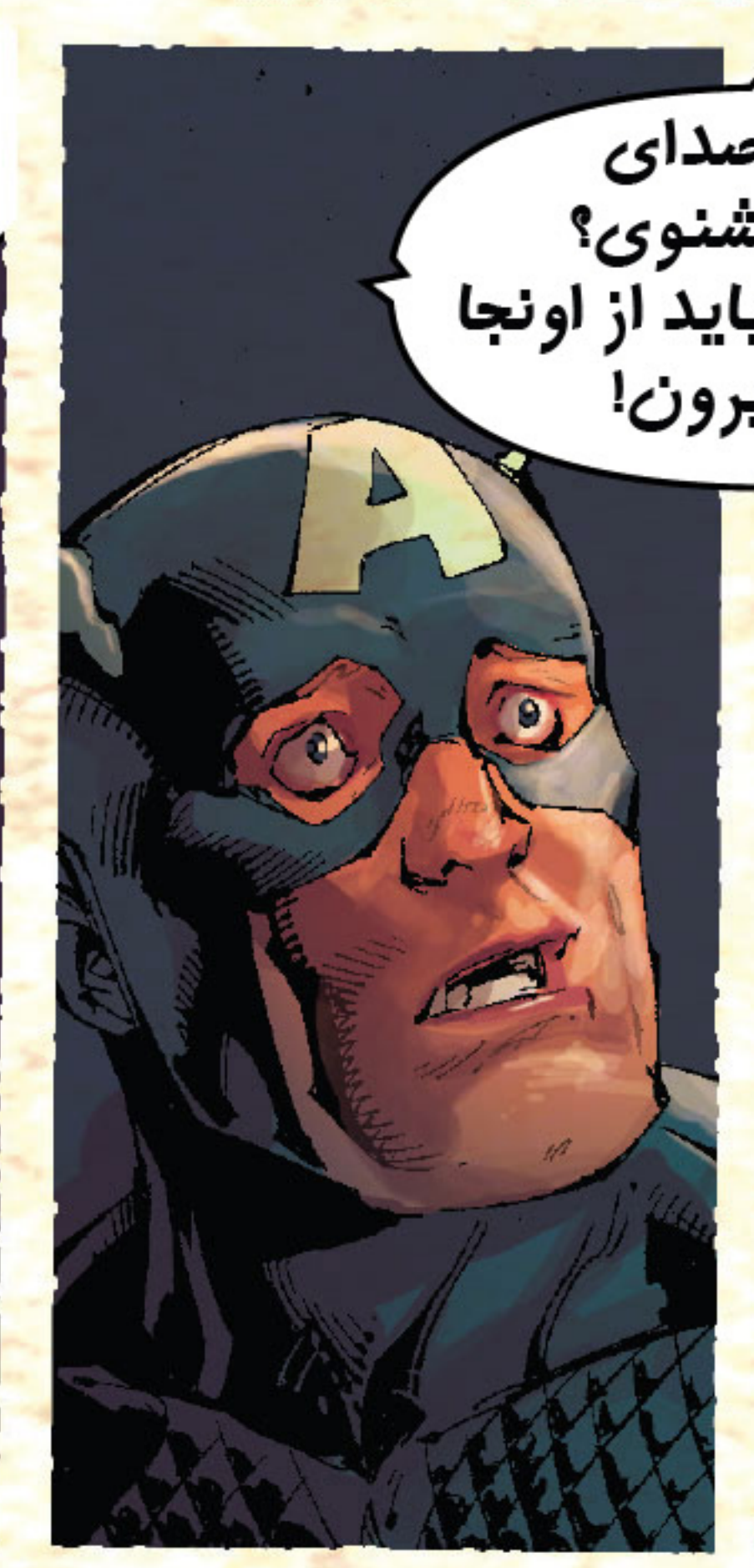
خدای  
من فرار...  
فرار کنید!!!

فقط ازدهاها  
نیستند! فقط  
کنال نیست!!!

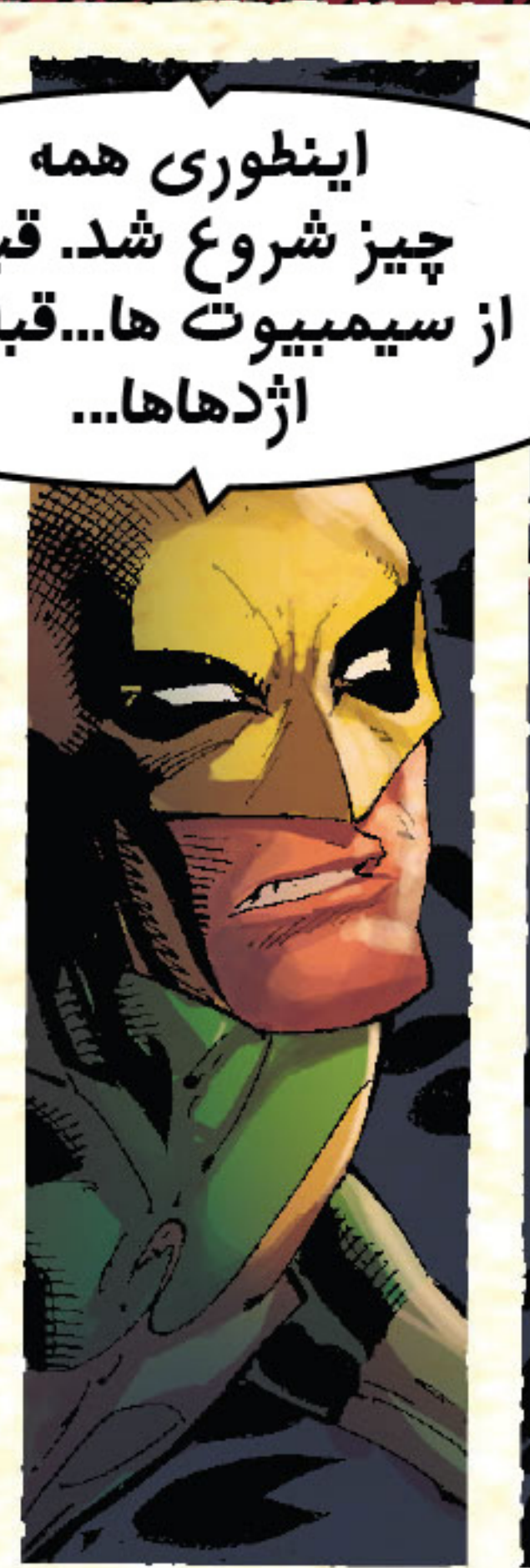
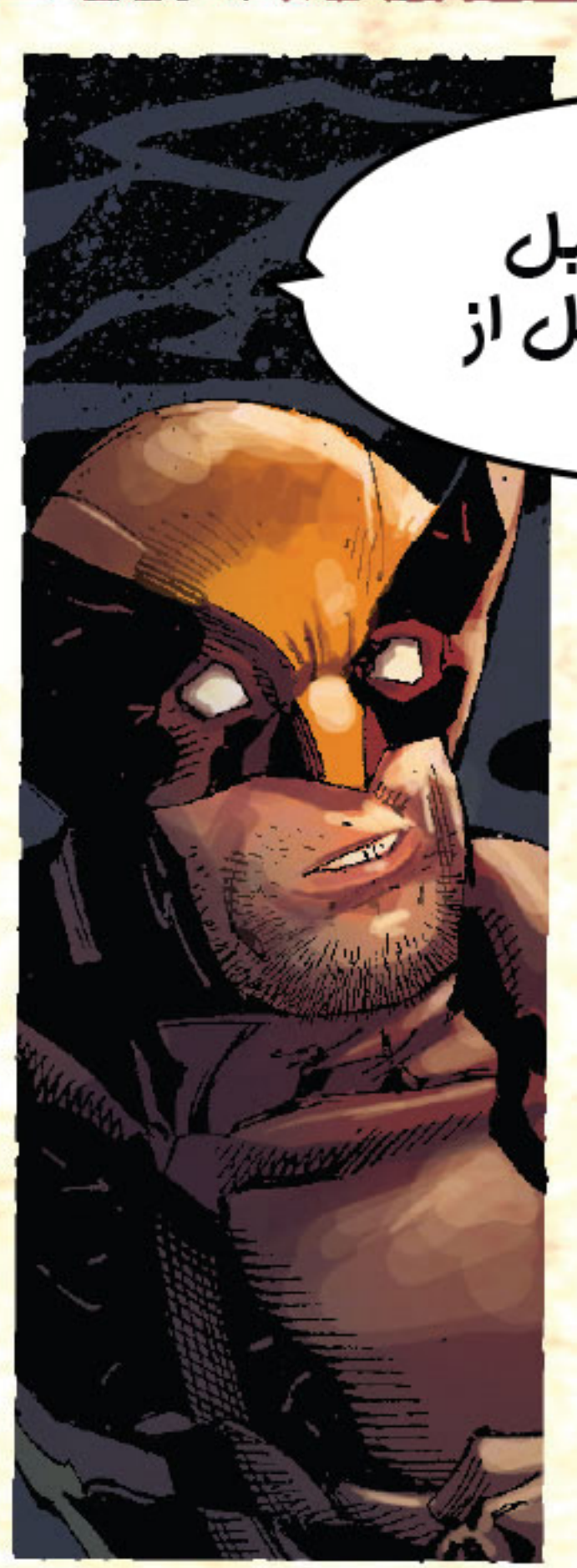




چن... به چن دارم نگاه من کنم...



تونن! صدای منو من شنوی؟ ادی هستم! باید از اونجا برید بیرون!



اینطوری همه چیز شروع شد. قبل از سیمپوت ها... قبل از ازدهاها...

اولین دشمنان کنال سلسنتیان ها بودند...

...و به نظر می رسه کنال این مشکل رو حل کرده!



هری بیج که شعری قیلا از خود رسیده... پس وقت شد و تلف نوری کنه...



هر تو که  
دیده شد  
رو از بین بره.

و کی تا  
وقت کون، دارم  
دیده آن هر که  
به اسم بر آید.

اوتو به من  
تو که دید تا هر  
شما تا با من که در  
تو که هست سریع و  
بدر در باشم...

هلیز.





همه  
برگردید!  
عقب نشینی!

داری اعلام  
عقب نشینی  
می کنی؟

تونی،  
بازی عوض شده!  
کدوم گوری...

دارم روش  
قفل می کنم! مواظب  
باشید، کنال درست  
بالای...



اینها رو  
نگاه کن.

یه گروه نوشابه گوری  
برگرد هرکس تو جگه گوری  
کن.

یه  
توی...



و شما  
کی هستید؟

کاپیتان! من  
روی سلاح بزرگ قفل  
کردم! الان تو تیرسه!!!  
ده ثانیه!!!



در حالت عادی، ما آخرین  
چیزهایی هستیم که موجوداتی  
مثل تو می بینند.

ولی  
امروز؟



ما فقط ناظر  
هستیم.

اون اینجاست و منتظر  
دستور شماست، کاپیتان.  
اجازه حمله می دید؟

اجازه صادر شد.



برو  
خودتو معرفی  
کن سنتری.

بله کاپیتان.

”باعث افتخار  
منه.“

BOOOOM

تورا!!!

تورا  
هر کشته بتاگر...





سلام.



اسم من بابیه.



تو می تونی منو سنتری صدا بزنی. همه چیز خیلی زود تموم...



اوه، نیازی به هیچکدوم از این چیزا...

گروه سرپازان من تو رو می شناسه فودشون ثبت کردن.

تو یه بار یکی رو بیلج کارتیج کشتی.

والا...



...بنا کردی من فودمو هه شری کت...





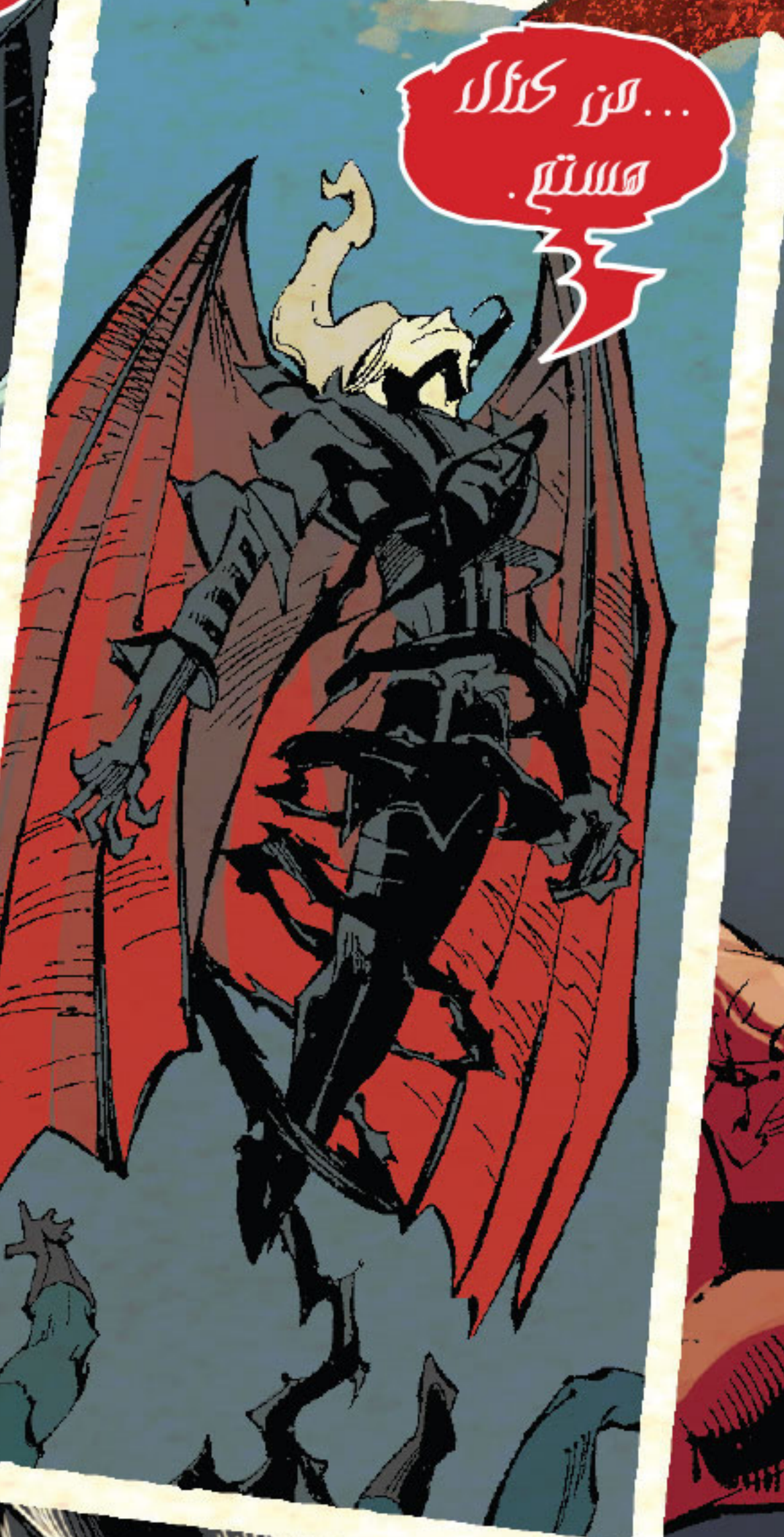
خدای من...  
می خواد...



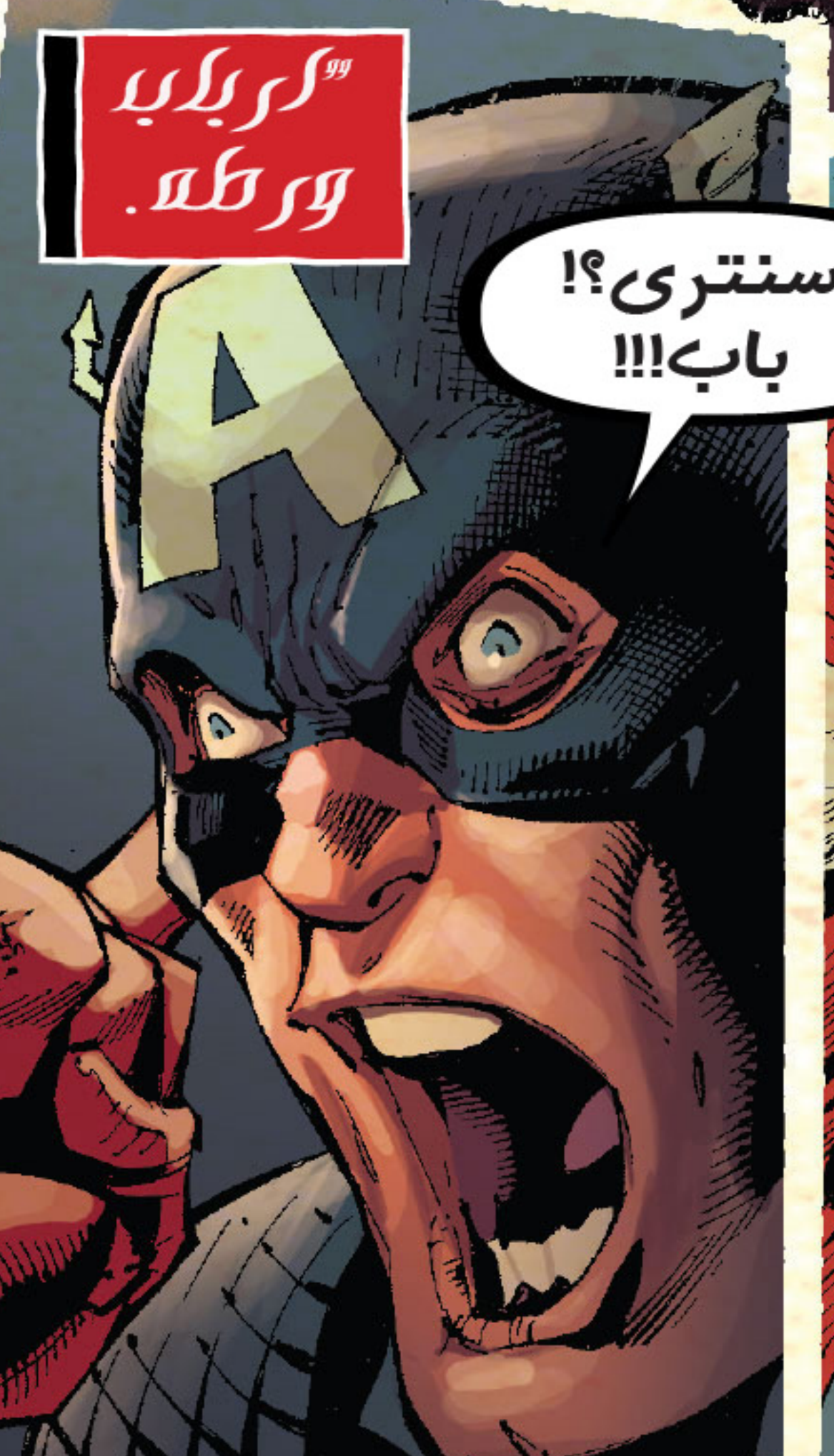
ننگنگ...  
نه... خلا... تو آزادش  
می کنی و...



پسر...



...هن کنگا  
وستع.



کرکری  
ورکبا.

سنتری؟!  
باب!!!



شکاری سیپیوت ها



ترکری  
درون شاک



کون  
سپهر به  
سخت هن وذب  
هر شه

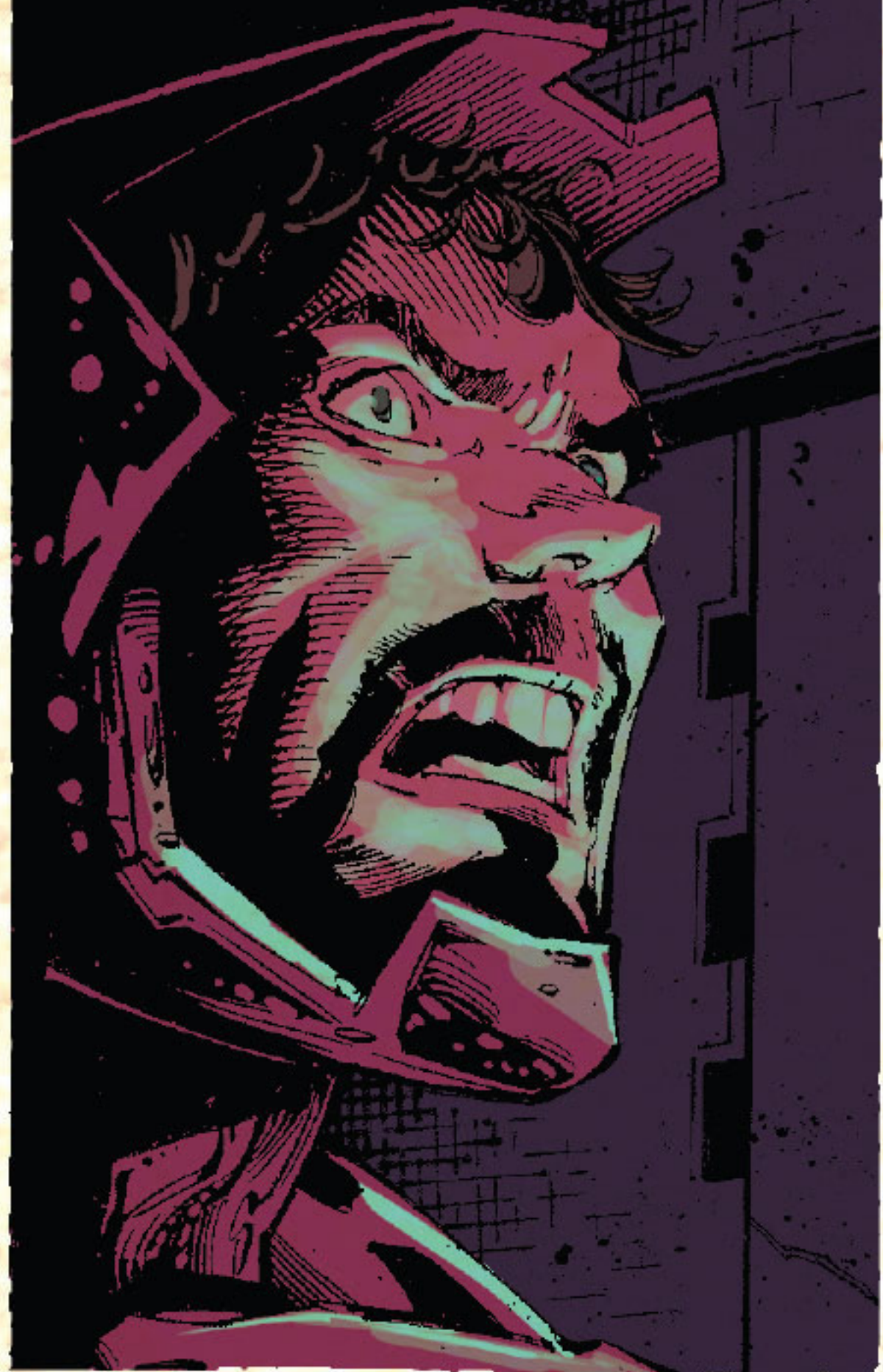


هن تور  
ولا هستع.



کاپیتان! از اونجا برو بیرون!  
همین الان! کاپیتان صدامو می شنوی؟  
دوباره باید آرایش بگیریم! الان  
نمی تونیم برنده بشیم!

انتخابی نداریم  
کاپیتان! فرار کنید!!!



تونو...  
...همیشه  
چیزی هست که  
بتونی انجام  
بدی.

انتقام جویان؟  
جمع شید...  
خط رو  
باید حفظ  
کنیم.

شهر رو امن کنید.  
تا می تونید شهروندان  
رو بیرون منتقل کنید.



پسر این بود؟ آخرین شک  
رنگینتون؟

باید بگم... زرد  
تست تاثیر توکار نگر شده.  
ایده کار بویع زمین قدرتمند  
بیشتر از اینها در شور...  
تبر بلشه...



کنسوسر...  
شده مع سنگ  
بقیه ستون  
فولکاید کرد.

هن با  
شده سوبوراکت  
کوچک.

با لشکران  
هن آشت بشید. لشکران شده روبرو

زمین!  
...  
نه! از اینجا  
برو اسپایدرمن!  
برو کمک بیار!

آقایون!  
صبر کنید، من  
می تونم...

کاپیتان،  
لطفاً جواب بده! داره  
تماسم قطع می شه.



این... فکر  
بهره.

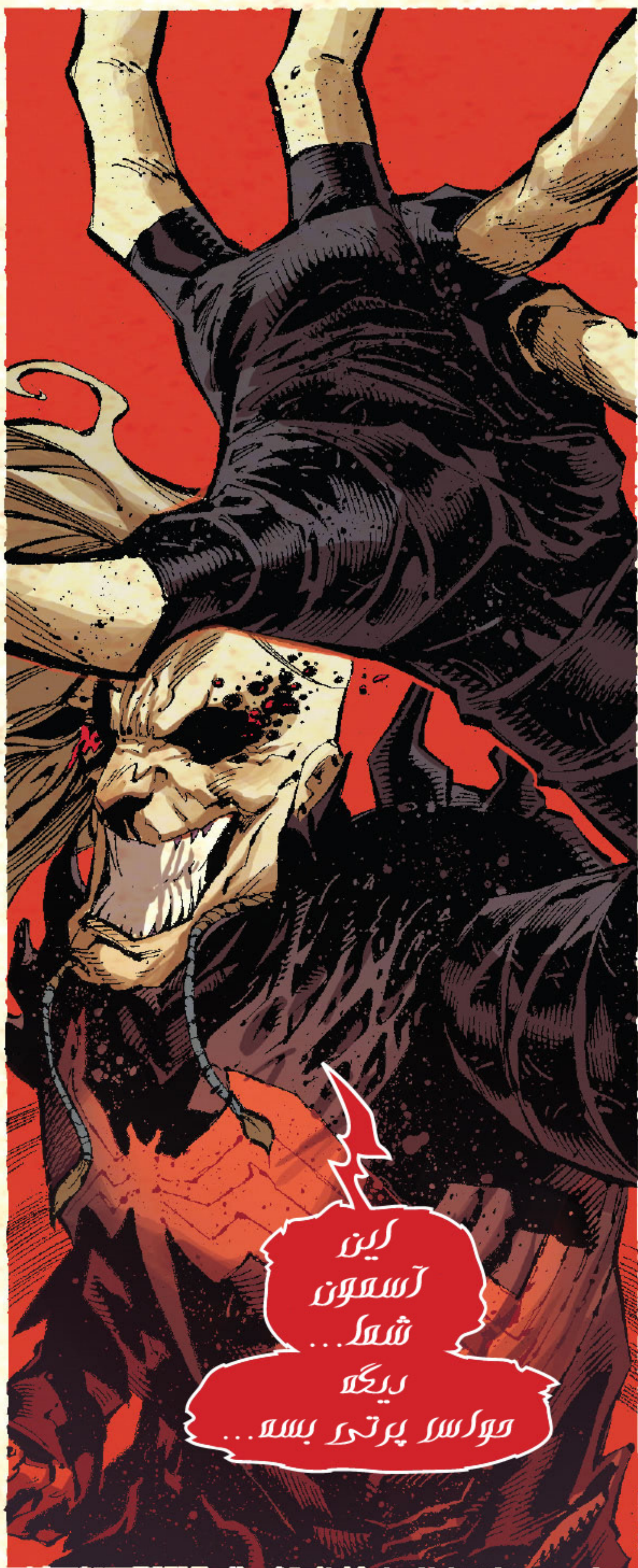
بذارید...  
سنگین بشیع که  
ریگه کسری هزارمسون  
تعی شده...

کاپیتان؟ داره  
ارتباط قطع می شه!!!  
چه اتفاقی داره  
می افته!؟



استیوا!





کین  
شما... آسمون  
ریکا  
موتار پرچی بسا...



ریکا  
تور شید هم تهنیله...



ساکر و سا  
تھنیله



نه نور...



آه...  
تور شید!





کینتھوری  
بہتر نیسٹ؟



چارلز؟ تونی؟  
کسی می تونه بگه  
چه اتفاقی افتاد؟

کنال... خدای  
من! الان زمین رو تو  
هاله ای از سیمیوت  
پوشوند.

گزارش هایی از  
واگاندا، لاتوریا و ژاپن  
رسیده... همه جا...  
رو پوشونده...

باشه،  
پس... به یه  
نقشه نیاز دارم.  
نمی تونم اینطوری  
ادامه بدم!

سلاح...

سلاح، نور کوچک...





داریم... روش  
کار می کنیم. فقط  
تو آسمون بمون تا...

تا چی،  
آیرون من؟!  
یواش یواش  
داره...



... ناامیدکننده  
می شه.



استورم؟



ادی براك، شما دوتا بهتره اخبار خوبی  
برام داشت باشید و گرنه...

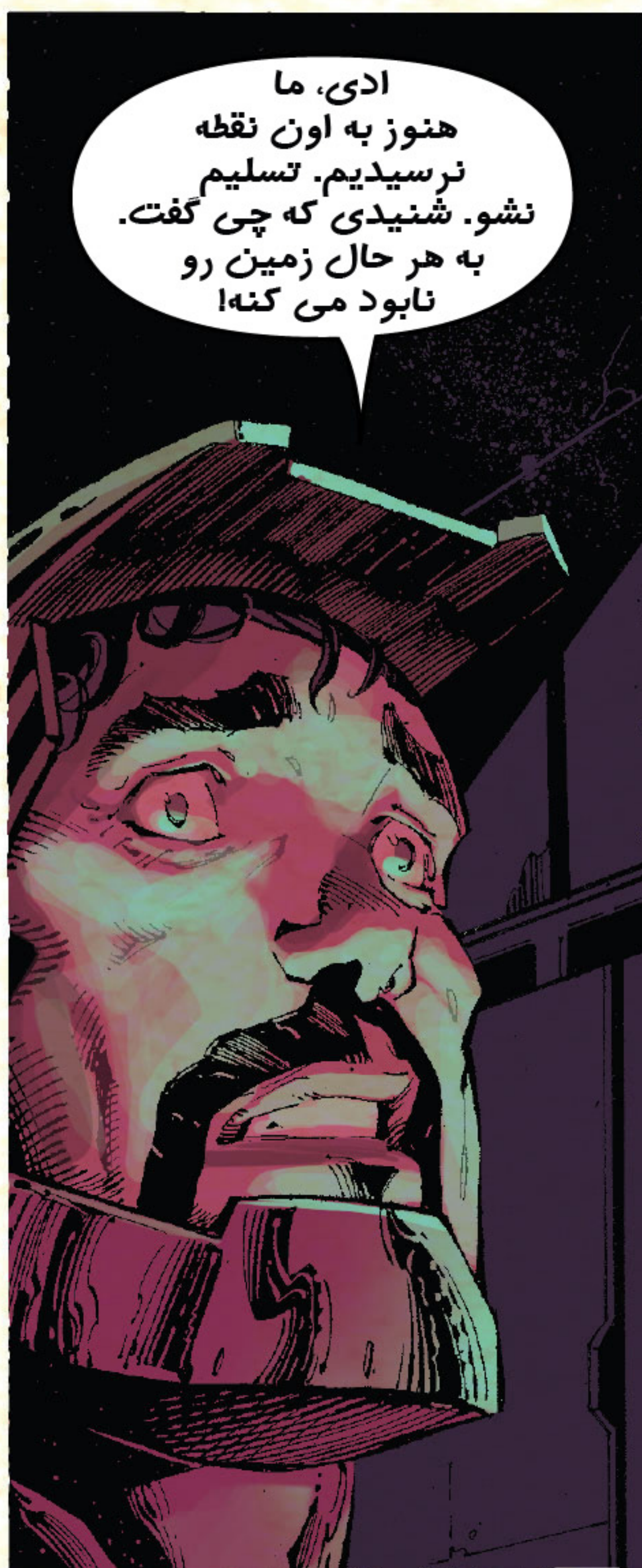
می دونم.  
بد می شه.

ولی باید  
یه کاری بکنیم.





چیژی رو  
که می خواد بهش  
می دیم.



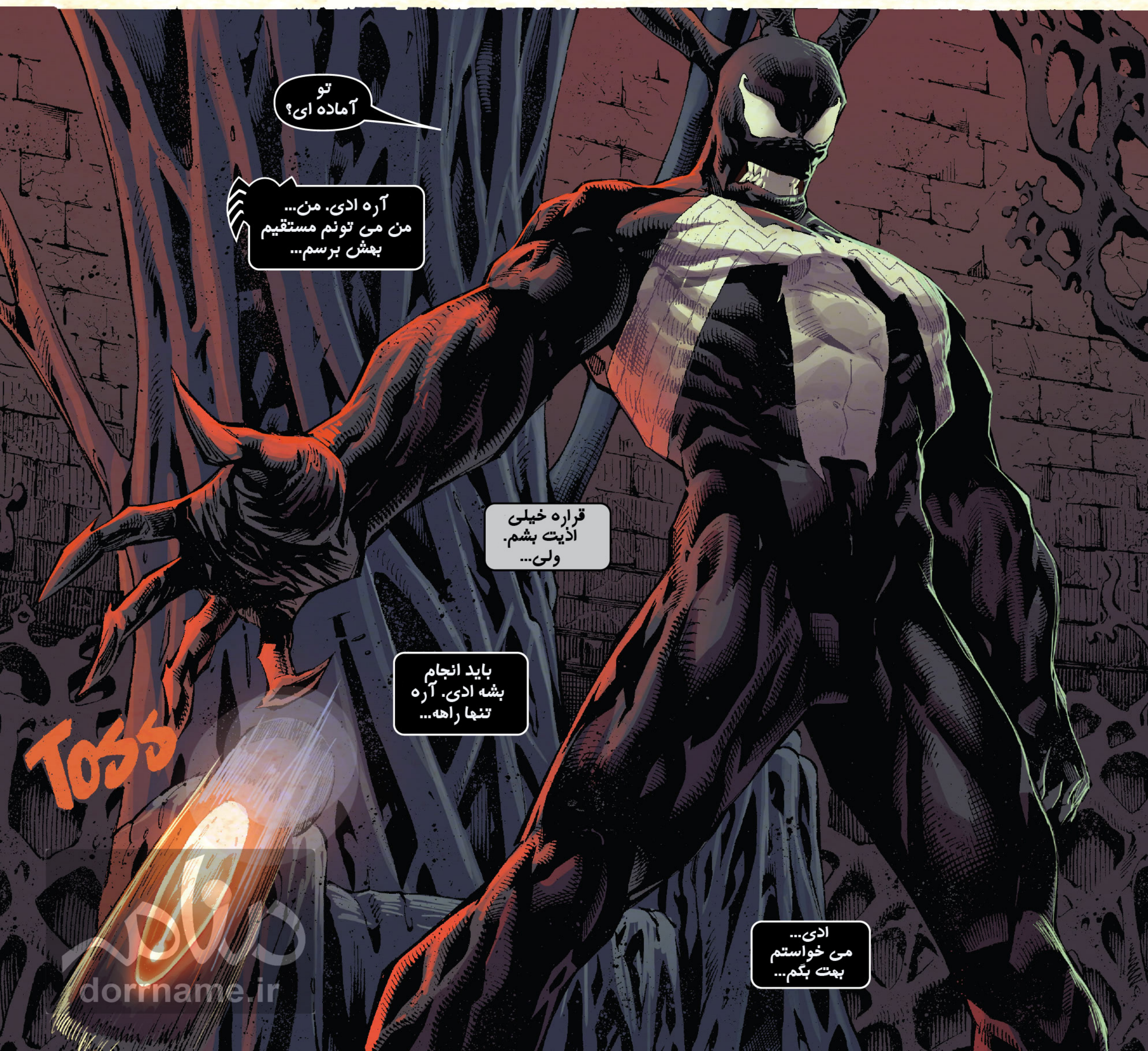
ادی، ما  
هنوز به اون نقطه  
نرسیدیم. تسلیم  
نشو. شنیدی که چی گفت.  
به هر حال زمین رو  
نابود می کنه!



پس  
شاید بتونیم  
یه کم زمان برای  
شما بخریم.



ولی ما  
دیگه از پنهان شدن  
خسته شدیم.  
ادی،  
نکن...  
ونوم  
فعال شه.



تو  
آماده ای؟

آره ادی. من...  
من می تونم مستقیم  
بهش برسم...

قراره خیلی  
اذیت بشم.  
ولی...

باید انجام  
بشه ادی. آره  
تنها راهه...

ادی...  
می خواستم  
بهت بگم...

توس





مهم نیست  
چه اتفاقی  
می افته...

می خواستم  
مطمئن بشم  
...می دونستی.  
که ما... که  
من...

آره...



می دونم.



آخرین رقصه  
رفیق.

تو  
آماده ای؟

آره  
ادی.

باشه پس...



بریم  
با خالقمون دیداری  
تازه کنیم.





آه...

ساکه  
کوچولو...  
ساکه  
هی شوخ که بازی  
ساکه هی کدی...



TOSS

بین تا هر  
تلقا کریه...



یا  
پیش...  
یا  
پیش...

SNAP

آه آه آه آه!!!





لاری بیتری؟

CATCH

آآخ!

لاری بیتری  
لاری بیتری  
بیقدر  
تشدنگه؟

هنوز نیکی  
نور هست که باید  
از بین بره... ولی...



لطفاً... فقط  
منو بکش.

نباید اینطوری  
باشه...



میر کن، من تو رو  
لاری شناسم...

تو همون  
هیزلاری هستی  
که لژیهای منو  
شکست دادی...  
نکر لاری کردی  
کشته...

هاس، زهن هاس  
فنده لارنگ،  
نکر کت...

مدر لاری توکله  
یه کله سرورگه شده...



چی؟ در مورد چی  
داری حرف می زنی؟  
تو گفتی...

واقعاً تغییر  
من بود...



باید شناسم  
لاری کردی کدوم  
براکا.



ن-نه!!!  
نه، تو دنبال مایه! ما تو رو شکست می دیم  
@!\$%# جنگت با ماست!!!

پسر من تنها بذار!!!

لطفاً فقط منو بکش!

...

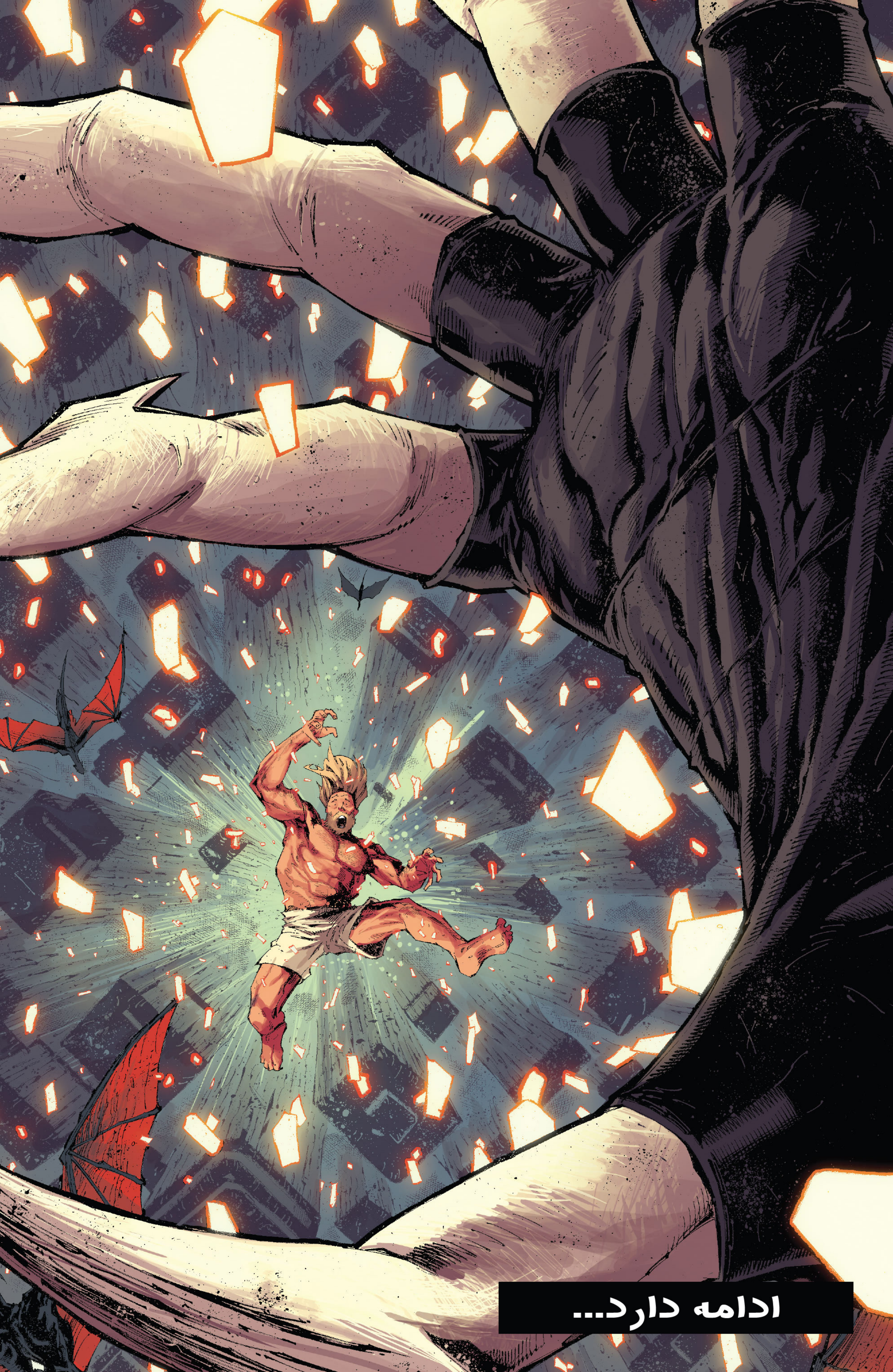
آآ خخخخ!!!

من پسر تو  
ازت می گیرم...  
... و بعد پسر تو رو ازت می گیرم.

وگرنه ستاسنه  
استفاده کنی برکت تارک  
بیزبان.

نه،  
خواهش می کنم  
نه...





ادامه دارد...



NEXT:



دورنامه  
dorname.ir

مربع کمیک های فارسی